



تئوری قضاوت: نسبیت شناختی



حسن چناری

مقدمه

تئوری طرح‌واره که توسط بارلت توسعه یافت، به‌عنوان محرک همه تئوری‌های طرح‌واره به‌کار می‌رود. طبق تعریف بارلت، طرح‌واره، سازمان‌فعالی از

واکنش‌ها یا تجارب گذشته است که بایستی همواره فرض کرد در هر پاسخ ارگانیکی سازگار فعالیت دارند. آنها دانش ناخودآگاه پیچیده به‌صورت توده‌ای از تجارب گذشته سازمان یافته هستند.

آنها بازنمایی‌های شناختی هستند، به این معنا که فرایندی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند با تعداد خیلی زیادی از نمونه‌های جدید سر و کار داشته باشد. دیدگاه‌های مدرن درباره طرح‌واره‌ها عموماً به ساختارهای شناختی اشاره دارند که دانش سازمان یافته‌ای را درباره مفهوم یا محرک مفروض بازنمایی کرده و به عنوان مکانیسم برای تعامل دانش قدیمی و جدید در ادراک، زبان، تفکر و حافظه به کار می‌روند.

طرح‌واره‌ها عموماً عناصر بنیادی در نظر گرفته می‌شوند که کل پردازش اطلاعات به آنها بستگی دارد. آنها یک تئوری را درباره دانش تشکیل می‌دهند: دانش چگونه بازنمایی می‌شود و آن بازنمایی چگونه استفاده از دانش را به طرق بی‌شمار تسهیل می‌کند. همان‌طور که دی. ای. رملهارت بیان کرد، طرح‌واره‌ها در فرایند تفسیر داده‌های حسی، بازیابی اطلاعات از حافظه، سازمان‌دهی کنش‌ها، تعیین اهداف و اهداف فرعی، تخصیص منابع و عموماً هدایت جریان پردازش در سیستم به کار گرفته می‌شوند. در واقع، تحلیل‌های مفید طرح‌واره‌ها که راملهارت پیشنهاد کرد، عبارت هستند از: بازی‌ها، تئوری‌ها، رویه‌ها و تجزیه کننده‌ها.

ویژگی‌های طرح‌واره‌ها عبارت هستند از:

۱. طرح‌واره انتزاع سرشمونی را از مفهوم پیچیده‌ای که بازنمایی می‌کند، بازنمایی می‌کند.
۲. طرح‌واره از تجارب گذشته با نمونه‌های بی‌شمار از مفهوم پیچیده‌ای که بازنمایی می‌کند، القا می‌شود.
۳. طرح‌واره می‌تواند سازمان اطلاعات وارد شونده را به خوشه‌هایی از دانش که نمون یافتگی‌هایی از خود طرح‌واره هستند، هدایت کند.

۴. زمانی که یکی از مفاهیم سازه‌ای طرح‌واره در ورودی از دست برود، ویژگی‌های آن از مقادیر پیش فرض موجود در طرح‌واره استنتاج می‌شوند.

طرح‌واره‌ها در برابر مقوله‌ها

ژان رندلر تمایز غیرعادی را بین دو نوع بازنمایی، یعنی مقوله‌ها و طرح‌واره‌ها، قایل شد. مقوله‌ها با نمادهای کلامی یا غیرکلامی (یعنی اسامی) اشاره شده و با مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی که مبنای استنتاج عضویت در آن هستند، بازنمایی می‌شوند. از سوی دیگر، طرح‌واره‌ها بازنمایی‌های شناختی هستند که ویژگی‌هایشان، مانند ویژگی‌های مقوله‌ها، بر اساس معیارهای فضایی، زمانی یا منطقی پیشین خاصی سازمان‌دهی می‌شوند. مقوله‌ها و طرح‌واره‌ها کارکردهای متفاوتی دارند. همان‌طور که رابرت اس. ویثر و اس. ای.

گوردون بیان می‌کنند:

ممکن است اطلاعات درباره مجموعه‌ای از ویژگی‌های پردازش شده از طریق اعضای یک مقوله خاص این مقوله را خود به خود فعال سازند، مگر این که الف- ویژگی‌ها ارتباط بسیار محکم و منحصر به فردی با آن داشته باشند؛ ب- هدف خاصی وجود داشته باشد که منجر به طبقه‌بندی شی توصیف شده شود؛ یا ج- مقوله و ویژگی‌های مشخصه آن در زمانی که اطلاعات دریافت می‌شوند، فعال شوند... برعکس، اطلاعاتی که ویژگی‌های مشخصه طرح‌واره‌ای را توصیف می‌کنند، مایل هستند طرح‌واره را خود به خود فعال سازند.

رشد و تغییر طرح‌واره

هنگام در نظر گرفتن رشد و تغییر طرح‌واره، شواهد از اثر پایداری پشتیبانی می‌کنند که به موجب آن طرح‌واره‌های



«ویژگی‌یاب» نامیده می‌شوند. طرح‌واره‌های سطح پایین به نوبه (به‌صورت داده‌محور) طرح‌واره‌های «سطح بالای» معینی (محمّل‌ترین طرح‌واره‌ها) را که از اجزای سازنده آنها هستند، فعال می‌سازند. سپس این طرح‌واره‌های «سطح بالا» پردازش مفهوم‌محور را با فعال‌سازی زیرطرح‌واره‌های فعال نشده در تلاش برای ارزیابی برآزش ارزش‌شان شروع می‌کنند.

کدگذاری اطلاعات در طرح‌واره

برای بروئر و ناکامورا تعامل دانش قدیمی با دانش جدید دو فرایند دارد: یکی به دانش عام در طرح‌واره مرتبط اشاره دارد، در حالی که دیگری به ساخت بازنمایی نمون یافته توصیف شده حافظه اشاره دارد که در آن طرح‌واره نمون یافته ساختار شناختی حاصل از اطلاعات قدیمی و جدید به‌دست آمده از واحد رویدادی است. در واقع، کدگذاری اطلاعات در معرض حداقل دو تفسیر قرار دارد. اولی، تفسیر پیشنهادی وودزورک و شلوزبرگ فرض می‌کند زمانی که طرح‌واره‌ای از طریق اطلاعات رویدادی واردشونده فعال شود، ویژگی‌هایی که با استلزامات این طرح‌واره ناسازگار هستند به بازنمایی اطلاعات به‌عنوان «تصحیح» پیوست می‌شوند. مفهوم‌سازی دوم که گاسر، گوردون و ساویر پیشنهاد کردند و فرمولاسیون اسکریپت-اشاره‌گر- به اضافه-برجسب نام دارد، فرض می‌کند زمانی که افراد اطلاعاتی را که به لحاظ طرح‌واره رویدادی سرنمونی (اسکریپت) قابل تفسیر است دریافت کنند، آنها خود اطلاعات را حفظ نمی‌کنند بلکه «اشاره‌گر» به اسکریپت کلی را همراه با نشانی از مقادیر اطلاعات که متغیرهای

عام حتی علی‌رغم شواهد ضد و نقیض هم به تغییر مقاوم هستند. در واقع، حتی ممکن است افراد استثناها را به‌عنوان اثبات طرح‌واره مفروض تفسیر کنند، مگر این‌که از آنها خواسته شود آن‌را نقض کرده و توضیح دهند چرا تئوری مورد علاقه‌شان ممکن است اشتباه باشد.

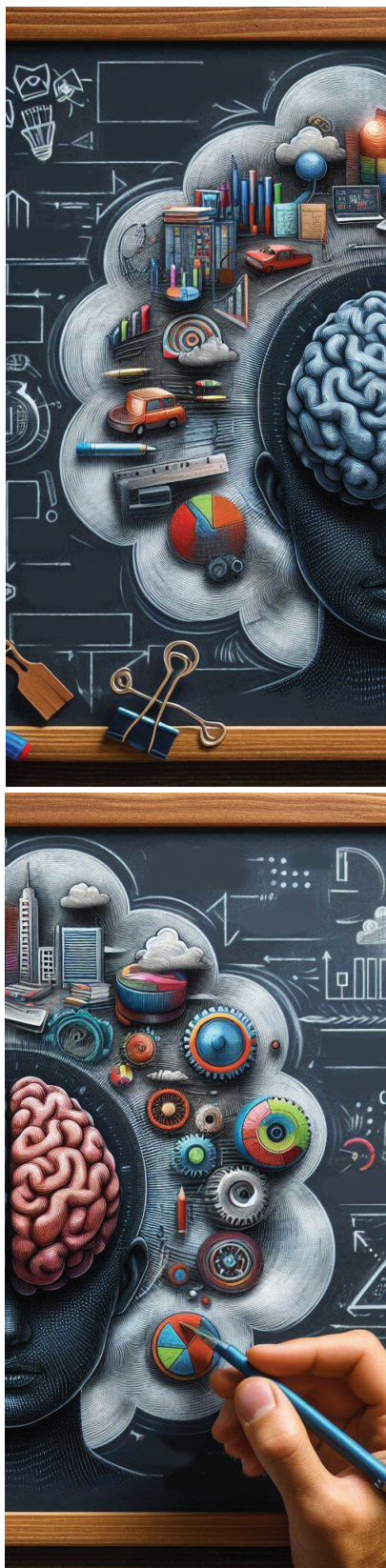
طرح‌واره‌ها از تجربه با نمونه‌هایی از مقوله مورد بحث توسعه یافته و با تجربه پیچیده‌تر، انتزاعی‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌شوند. با افزایش تجربه، طرح‌واره بالغ‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. بنابراین، طرح‌واره‌های کارشناسان عناصر اطلاعاتی بیشتری از طرح‌واره‌های مبتدیان داشته، سازمان یافته‌تر بوده، ارتباطات بیشتری داشته و ممکن است سلسله مراتب پیچیده‌تری داشته باشند.

منابع فعال‌سازی طرح‌واره‌ها

بابرو و نورمن دو نوع اولیه فعال‌سازی طرح‌واره‌ها را متمایز می‌سازند که عبارت هستند از: پردازش مفهوم‌محور و پردازش داده‌محور. در پردازش مفهوم‌محور، طرح‌واره فعال شده به ترتیب زیر طرح‌واره‌ای را فعال می‌سازد، به امید این‌که این قسمتی از داده‌های ورودی را تبیین کند. در پردازش داده‌محور، زیرطرح‌واره فعال شده موجب فعال‌سازی طرح‌واره‌های گوناگونی که مؤلفه‌ای از آنها است، می‌شود. پردازش داده‌محور از جزء به کل است. در منبع دیگر فعال‌سازی که پردازش طرح‌واره‌محور نام دارد، فرض می‌شود فعال‌سازی در هر دو جهت پیش می‌رود. آن به‌صورت زیر است:

بعضی از رویدادها در سیستم حسی روی می‌دهند. وقوع این رویداد به‌طور خودکار طرح‌واره‌های سطح پایین معینی را فعال می‌سازد (بسیاری از طرح‌واره‌ها





اسکرپت را نمونه یافته می‌کنند، حفظ می‌کنند. اگر ویژگی‌های این اطلاعات با ویژگی‌های اسکرپت عام انطباق نداشته و بنابراین نتوانند بازسازی شوند، آنها به‌عنوان «برچسب» به بازنمایی‌ها پیوست می‌شوند. اساساً اطلاعات جدید با یک سری «اشاره‌گر» به طرح‌واره‌های رویدادی سرنمونی که می‌توانند برای درک یا توصیف رویداد استفاده شوند بازنمایی می‌شوند که در صورت لزوم با «برچسب‌هایی» همراه هستند که به اشیا یا رویدادهایی که نمی‌توانند به تنهایی از طرح‌واره‌های رویدادی حاصل شوند، اشاره دارند.

تحقیقات اجتماعی طرح‌واره

تحقیقات اجتماعی طرح‌واره موارد زیر را بررسی می‌کنند: خود-طرح‌واره‌ها، طرح‌واره‌های شخصی، طرح‌واره‌های اسکرپتی یا رویدادی و طرح‌واره‌های فرد در موقعیت. خود-طرح‌واره حاوی تعمیم‌های شناختی درباره خود که از تجارب گذشته حاصل می‌شوند، است. افراد عموماً روی ابعادی که برای‌شان مهم است، ابعادی که خودشان را افراطی ادراک کرده و عکس آن‌را غیرواقعی ادراک می‌کنند، خود-طرح‌واره‌ای هستند. آنها روی آن ابعادی که ادراک می‌شود اهمیت کم‌تری برای‌شان دارد، طرح‌واره‌ای هستند. تحقیقات درباره ادراک نشان می‌دهد افرادی که روی بُعد خاصی طرح‌واره‌ای هستند، اطلاعات واردشونده درباره آن بُعد را به سرعت شناسایی و فیلتر می‌کنند، به آن بُعد در سایر افراد توجه می‌کنند و جدی‌تر درباره انواع اطلاعات مربوط به طرح‌واره فکر می‌کنند. تحقیقات درباره حافظه نشان می‌دهند

افراد خود-طرح‌واره‌ای اطلاعات مربوط به طرح‌واره را به یاد آورده، سخت تغییر کرده، دانش قابل دست‌یابی‌تری درباره دیگران به خاطر آگاهی صرف از خودشناسی داشته و در دانش درباره دیگران، به‌ویژه غریبه‌ها، مملو از عاطفه هستند. تحقیقات درباره استنتاج نشان می‌دهند افراد پیش‌بینی‌های سریعی درباره رفتار خودشان که با خود-طرح‌واره‌های‌شان سازگار باشند، می‌کنند. در شرایط معین، این پیش‌بینی‌ها بیشتر از پیش‌بینی‌ها درباره غیرطرح‌واره‌ای‌ها به طول می‌انجامند، به‌ویژه اگر قضاوت جدید باشد. طرح‌واره شخصی حاوی تعمیم‌هایی درباره اطلاعات ویژگی و رفتار که در گروه‌ها یا انواع خاصی از مردم مشترک هستند، است. تحقیقات درباره ادراک نشان می‌دهند مقوله‌ها برای افراد، مثل مقوله‌ها برای اشیا، به‌صورت سلسه مراتبی سازمان‌دهی می‌شوند. تحقیقات درباره حافظه نشان می‌دهند طرح‌واره‌ها برای ویژگی‌ها و اهداف افراد نوعاً به ادراک کننده در به خاطر آوردن تفصیلی‌تر اطلاعات سازگار با طرح‌واره نسبت به آن‌چه که بدون طرح‌واره‌ها ممکن است، کمک می‌کنند. تحقیقات درباره استنتاج نشان می‌دهند طرح‌واره‌های شخصی بر استنتاج‌های متعاقب تأثیر می‌گذارند. شواهد درباره طرح‌واره‌های شخصی به‌صورت زیر خلاصه می‌شوند: طرح‌واره‌های شخصی حاوی بازنمایی‌های سرنمونی از ویژگی‌هایی چون برون‌گرایی و درون‌گرایی و نیز تصورات درباره این‌که چه رفتاری با هدف مفروض سازگار است، هستند. طرح‌واره‌های شخصی گوناگون فرایندهای ادراک، حافظه و استنتاج را

برای مطابقت با فرض‌های کلی‌مان درباره سایر افراد شکل می‌دهند. اثرات طرح‌واره‌ها بر ادراک، حافظه و استنتاج اساساً برای دقت و درستی در شناسایی نمون‌های فردی مناسب نیستند. طرح‌واره‌ها از طریق ذهن برای مدیریت اقتصادی و شاید حتی مدیریت درست، چنین فرایندهایی استفاده شوند.

طرح‌واره اسکرپتی یا رویدادی حاوی تعمیم‌های شناختی که توالی مناسب رویدادها را در موقعیت مفروض توصیف می‌کنند، است. تحقیقات درباره طرح‌واره‌های اسکرپتی یا رویدادی

به‌صورت زیر خلاصه می‌شوند: طرح‌واره اسکرپتی یا رویدادی توالی‌های فعالیت را از زندگی روزمره توصیف می‌کند. آنها حاوی اثاثیه، نقش‌ها و قواعد توالی هستند. اسکرپت‌ها ممکن است به بخش‌هایی (صحنه‌هایی) زیرتقسیم شوند. مانند طرح‌واره‌های دیگر، اسکرپت‌ها ادراک اطلاعات مبهم را هدایت کرده و اغلب حافظه را به سمت اطلاعات سازگار با طرح‌واره شکل می‌دهند. استنتاج‌ها را می‌توان پر کردن شکاف‌هایی که در آنها اطلاعات گم شدند، در نظر گرفت و به‌نظر می‌رسد درباره پر کردن شکاف‌ها



از طریق مواجهه‌های مکرر با اسکرپت مبالغه می‌شود. بیشتر نقش‌های اسکرپت‌ها نقش‌های طرح‌واره‌های دیگر را در تمرکزشان روی اطلاعات مرتبط - و معمولاً سازگار- در ادراک، حافظه و استنتاج منعکس می‌سازند.

طرح‌واره شخص در موقعیت یا نقشی حاوی تعمیم‌های شناختی درباره مردم در موقعیت‌ها یا اسکرپت‌ها برای رفتار در موقعیت‌ها است. طرح‌واره‌های نقشی نه تنها به ادراک، حافظه و استنتاج کمک می‌کنند، بلکه ممکن است راهی برای تبیین کلیشه‌ها باشند.

تحقیقات درباره ادراک نشان می‌دهند مقوله‌بندی محتوای کلیشه‌ای طرح‌واره را نمون یافته می‌کند، چه شخص با مقوله سازگاری داشته باشد چه نداشته باشد و در این فرایند مقدار تغییرپذیری و پیچیدگی را که ممکن است در مقوله وجود داشته باشد، به حداقل می‌رساند. علاوه‌بر به حداقل رساندن تغییرپذیری و پیچیدگی، طرح‌واره ادراک را از محتوای آن‌چه که شخص انجام می‌دهد، تحریف می‌کند. تحقیقات درباره حافظه نشان می‌دهند طرح‌واره نقشی حافظه را صورت سازگار با طرح‌واره شکل می‌دهد. به‌علاوه، به‌نظر می‌رسد اطلاعات مقوله‌ای جزئیات نمون خاص را نادیده می‌گیرند اما اگر شرایط تکلیف ممکن سازند، اطلاعات ناسازگار با طرح‌واره احتمالاً توجه افزوده‌ای را در ورودی دریافت می‌کنند. فرایندهای توجه می‌توانند به‌خاطر آوردن اطلاعات ناسازگار را تسهیل کنند.

دیدگاه شناختی درباره فرایند

قضا و ت / تصمیم‌گیری

در زیر مراحل از مدل فرایند قضاوت / تصمیم‌گیری به‌صورت عملی در ادراک و



شناخت اجتماعی پیشنهاد می‌شود که مستلزم هم قضاوت صوری و هم قضاوت ضمنی است. ورودی اولیه این فرایند مسأله یا پدیده‌ای است که باید حل شده و مستلزم قضاوت قبل از رجحان یا تصمیم‌گیری است. این مدل از مراحل زیر تشکیل شده است:

۱. مشاهده پدیده توسط تصمیم‌گیرنده
۲. تشکیل طرح‌واره یا پدیده‌سازی
۳. سازمان‌دهی یا ذخیره طرح‌واره
۴. فرایند توجه و بازشناسی ناشی از محرک
۵. بازیابی اطلاعات ذخیره شده لازم برای تصمیم‌گیری درباره قضاوت
۶. بازنگری و یکپارچگی اطلاعات بازیابی شده با اطلاعات جدید
۷. فرایند قضاوت
۸. پاسخ تصمیم / کنش

مشاهده پدیده توسط تصمیم‌گیرنده

فرض می‌شود تصمیم‌گیرنده فرصت مشاهده پدیده را دارد. به تصمیم‌گیرنده اطلاعاتی که تشخیصی انگاشته می‌شوند، جهت درک پدیده داده می‌شود. اگر این اطلاعات فراهم نشوند، تصمیم‌گیرنده این اطلاعات را جستجو کرده و اطلاعات در دسترسی را که خیلی مرتبط با پدیده قضاوت می‌شوند، آزمایش می‌کند. پیرو رویکرد کله‌ی نسبت به اسناد علی، رفتار جستجو روی این نوع از انواع اطلاعات متمرکز می‌شود:

۱. اطلاعات اجماع: این پدیده یا پدیده‌های دیگر چگونه بر اساس ابعاد مفروض درجه‌بندی یا اجرا شدند؛
۲. اطلاعات تمایز: این پدیده چگونه بر اساس سایر ابعاد گوناگون درجه‌بندی یا اجرا شد؛
۳. اطلاعات سازگاری: این پدیده چگونه

این پدیده دخیل است. وی‌پر و سرال معتقد هستند اطلاعات قبلی آزمودنی را مستعد انتخاب یکی از چند چهارچوب داوری می‌کنند. سوگیری نتیجه تمایل به جستجوی شواهد تأیید کننده تصورات پیشین، به جای شواهد خنثی یا نقض کننده است.

تشکیل یا ساخت طرح‌واره

زمانی که پدیده‌ای مشاهده شده است، اطلاعات مربوط کدگذاری می‌شوند به این معنا که آنها براساس تجربه مقوله‌بندی شده و در حافظه در امتداد طرح‌واره‌ها یا ساختارهای دانش سازمان‌دهی می‌شوند. همان‌طور که نیست و راس بیان کردند: بزرگسال بار اول به محرک‌های معدودی، اگر وجود داشته باشند، نزدیک می‌شود. در عوض، آنها از طریق سیستم‌های از قبل

بر اساس ابعاد مهم موجود در گذشته درجه‌بندی یا اجرا شد.

شواهد نشان می‌دهند سوژه‌ها تمایل دارند بیشتر روی اطلاعات تمایز یا سازگاری تمرکز کنند تا اطلاعات اجماع. رفتار جستجو به صورت غلط هدایت نمی‌شود. این فرض منصفانه است که تصمیم‌گیرنده انتظاراتی درباره پدیده دارد که می‌توانند نوع اطلاعات جستجو شده را تعیین کنند. این انتظارت در مدل دنیسی و همکاران به اصطلاح تصورات قبلی نامیده می‌شوند. آنها از تجارب قبلی تصمیم‌گیرنده با پدیده نشأت می‌گیرند. ممکن است این انتظارات یا تصورات قبلی، تصمیم‌گیرنده را به سمت انتخاب بعضی از اطلاعات، به جای سایر اطلاعات، سوق دهند. فراهم ساختن اطلاعات پس زمینه قبل از مشاهده در

موجودی از دانش- باورهای طرح‌واره‌ای و انتزاعی، تئوری‌ها، گزاره‌ها و طرح‌واره‌ها پردازش می‌شوند. این ساختارهای دانش اشیا و رویدادها را به سرعت و عمدتاً به درستی برجسب‌گذاری و مقوله‌بندی می‌کنند. همچنین آنها مجموعه‌ای از انتظارات را درباره اشیا و رویدادها تعریف کرده و پاسخ‌های مناسبی را به آنها پیشنهاد می‌کنند.

طرح‌واره می‌تواند صرفاً به‌روز رسانی قالب‌هایی که قبل از وقوع پدیده شناخته شده‌ای وجود داشتند بوده یا قالب جدیدی که از طریق وقوع پدیده جدیدی ایجاد می‌شود، باشد. در مورد اول، فرض می‌شود ابهام کمی وجود داشته و بنابراین کدگذاری بعد از فرایند خودکار صورت می‌گیرد. در مورد دوم، طرح‌واره در دسترس آنی وجود نداشته

و فرایند کنترل شده مقوله‌بندی برای تعیین این‌که کدام طرح‌واره با ابعاد پدیده سازگار است، ایجاد می‌شود. هر دو فرایند در مورد کدگذاری اطلاعات یا ارزیابی عملکرد پیشنهاد می‌شوند:

بنابراین، فرایندهای خودکار و کنترل شده نتیجه نهایی یکسانی دارند: تخصیص یک شخص به مقوله‌ای بر اساس فرایند تطابق با سرنمون. تفاوت این است که آیا رفتار شخص محرک به حد کافی با نشانه‌های دیگر سازگار است تا مقوله‌بندی به‌طور خودکار ادامه یابد یا این‌که آیا فرایند کنترل شده‌ای باید برای تعیین این‌که کدام مقوله با رفتار فرد سازگار است، استفاده شود. تخصیص مقوله‌ای واقعی تابعی از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر برجستگی مقوله‌های خاص و ویژگی‌های محرک و نیز تفاوت‌های فردی بین ادراک‌کنندگان

که باعث می‌شوند بعضی از مقوله‌ها و سرنمون‌های‌شان در دسترس‌تر از بقیه بوده و بعضی از ویژگی‌های محرک برجسته‌تر از ویژگی‌های دیگر باشند، است.

اساساً ممکن است پدیده در طرح‌واره مفروض به واسطه تملک ویژگی‌های آشکار یا برجسته‌اش که برای ادراک کننده شناخته شده هستند، مقوله‌بندی شود. زمانی‌که سرنمون یا طرح‌واره مقوله‌ای برجسته‌ای چهارچوب طبیعی را فراهم نسازد، فرایند کنترل شده یا فرایند آگاهانه پایش شده جایگزین فرایند خودکار می‌شود. فرایند کنترل شده از طریق پدیده جدید یا ویژگی‌های جدید پدیده شناخته شده‌ای که با مقوله‌بندی قبلی سازگار هستند، راه‌اندازی می‌شود. در مورد دوم، مقوله‌بندی مجدد فراخوانی می‌شود تا ناسازگاری حل شده و طرح‌واره جدیدی برای توصیف پدیده استفاده شود که این موجب بازسازی خاطرات درباره پدیده می‌گردد به‌طوری‌که مقوله‌بندی جدید در دسترس‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

بعد از این‌که اطلاعات درباره پدیده مفروض برای تشکیل بازنمایی یا طرح‌واره کدگذاری می‌شوند، آنها در حافظه بلندمدت ذخیره و نگهداری می‌شوند. تالوینگ حافظه رویدادی و حافظه معنایی را از هم متمایز می‌سازد. اساساً خاطرات رویدادی فرد شخصی هستند، در حالی‌که حافظه معنایی دانش واژه‌ها و نمادها، معانی‌شان و دانش مدلول از روابط بین واژه‌ها و قواعد یا الگوریتم‌ها برای دست‌کاری واژه‌ها، نمادها و روابط بین آنها است. اتکینسون و شیفرین معتقد هستند ویژگی‌های ساختاری پایه





- tise and Auditors' Judgments of Conjunctive Events. " *Journal of Accounting Research* (Fall 1986), 220-90.
- Graesser, A. C. , and G. V. Nalsamura. "The Impact of Schema on Comprehension and Memory. " *Psychology of Learning and Memory* 16 (1982): 60-102.
- Halpern, A. R. , and H. G. Bower. "Musical Expertise and Melodic Structure in Memory for Musical Notation. " *American Journal of Psychology* 95 (1982): 31-50.
- Hamilton, D. L. , and L. J. Huffman. "Generality of Impression Formation for Evaluative and Non-evaluative Judgments. " *Journal of Personality and Social Psychology* 20 (1971): 200-207.
- Hastie, R. "Memory for Behavioral Information That Confirms or Contradicts a Personality Impression. " In *Person Memory: The Cognitive Basis of Social Perception*, edited by R. Hastie, et al. Hillsdale, N. J. : Erlbaum, 1981.
- Hastie, R. , and Bernadette Park. "The Relationship Between Memory and Judgment Depends on Whether the Judgment Task Is Memory-Based or On-Line. " *Psychological Review* 93/3 (1986): 258-68.
- Hogarth, R. M. *Judgment and Choice: The Psychology of Decision*. Chichester: Wiley, 1980.
- Jaynes, J. *The Origin of Consciousness in the Breakdown of the Bicameral Mind*. Toronto: University of Toronto Press, 1978.
- Kelly, H. H. "Attributions in Social Interactions. " In *Attributions: Perceiving the Causes of Behavior*, edited by E. E. Jones. Craig, R. I. , and R. S. Lochart, "Levels of Processing: A Framework for Memory Research," *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior* 11 (1972): 671-84.
- Craig, R. I. , and E. Tulving, "Depth of Processing and the Retention of Words in Episodic Memory. " *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior* 11 (1972): 671-84.
- De Nisi, A. S. , T. P. Cafferty, and B. M. Meglino. "A Cognitive View of the Performance Appraisal Process: A Model and Research Proposition. " Ebbesen, E. B. "Cognitive Processes in Inferences about a Person's Personality. " In M. Higgins, E. C. Herman, and M. Zarma, *Social Cognition: The Ontario Symposium* (Hillsdale, N. J. : Erlbaum, 1984), 52-59.
- Emby, C. and M. Gibbins. "Good Judgment in Public Accounting: Quality and Justification. " *Contemporary Accounting Research* (Spring 1988): 287-313.
- Feldman, Jack M. "Beyond Attribution Theory: Cognitive Processes in Performance Appraisal. " *Journal of Applied Psychology* 66/2 (1981): 127-48.
- Felix, W. L. , Jr. , and W. R. Kinney, Jr. "Research in the Auditor's Opinion Formulation Process: State of the Art. " *Accounting Review* (Apr. 1988): 245-71.
- Ferguson, T. J. , B. G. Rule, and D. Carlson. "Memory for Personally Relevant Information. " *Journal of Personality and Social Psychology* 44 (1983): 251-61.
- Fiske, S. T. , and S. E. Taylor, *Social Cognition* (New York: Random House, 1984), 154.
- Frederick, D. M. , and R. Libby. "Experimenting. London: Cambridge University Press, 1932.
- Belkaoui, Ahmed. *Human Information Processing in Accounting*. Westport, Conn. : Quorum Books, 1989.
- Bobrow, D. G. , and D. A. Norman. "Some Principles of Memory Schemata. " In *Representations and Understanding: Studies in Cognitive Science*, edited by D. G. Bobrow and A. M. Collins. New York: Academic Press, 1975.
- Brewer, W. F. , and G. V. Nalsamura. "The Nature and Functions of Schemas. " In R. S. Wyer, Jr. , and T. K. Scrull, *Handbook of Social Cognition* (Hillsdale, N. J. : Erlbaum, 1984), 139-50.
- Canton, N. , and W. Mischel. "Prototypes in Person Perception. " In *Advances in Experimental Psychology*, edited by L. Berkowitz, vol. 12. New York: Academic Press, 1979.
- Chase, W. G. , and H. A. Simon, "The Mind's Eye in Chess. " In *Visual Information Processing*, edited by W. G. Chase. New York: Academic Press, 1983.
- Chi, M. T. H. , and R. Koeske, "Network Representations of a Child's Dinosaur Knowledge. " *Developmental Psychology* 19 (1983): 29-35.
- Chiesi, H. L. , G. J. Spilich, and J. F. Voss, "Acquisition of Domain-Related Information in Relation to High and Low Domain Knowledge. " *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior* 18 (1979): 257-73.
- Cohen, C. E. "Pearson Categories and Social Perception: Testing Some Boundaries of the Processing Effects of Prior Knowledge. " *Journal of Personality and Social Psychology* 40 (1981): 441-52.

Review (Jan. 1977): 1-53.

Sentis, K. P. , and E. Burnstein. "Remembering Schema Consistent Information: Effects of Balance Schema on Recognition Memory. " *Journal of Personality and Social Psychology* 37 (1979): 2200-11.

Slovic, P. , B. Fischhoff, and S. Lichtenstein. "Behavioral Decision Theory. " *Annual Review of Psychology* 28 (1977): 119-39.

Snyder, N. , and N. Cantor. "Treating Hypotheses about Other People: The Use of the Historical Knowledge. " *Journal of Experimental Social Psychology* 15 (1979): 330-42.

Snyder, M. , and S. W. Uranowity. "Reconstructing the Past: Some Cognitive Consequences of Person Perception. " *Journal of Personality and Social Psychology* 37 (1979): 941-45, 1660-72.

حسن چناری: گروه حسابداری،
دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی،
تهران، ایران

Nisbett, R. E. , and L. Ross. *Human Inference: Strategies and Shortcomings of Social Judgment*. Englewood Cliffs, N. J. : Trent and Hall, 1980.

Nisbett, R. E. , and T. D. Wilson. "Telling More Than We Can Know: Verbal Reports on Mental Processes. " *Psychological Review* (May 1977): 231-59.

Perlmutter, J. , P. Source, and J. L. Myers. "Retrieval Process in Recall. " *Cognitive Psychology* 8 (1976): 32-63.

Rankus, H. "Self-Schema DNA Processing Information about the Self. " *Journal of Personality and Social Psychology* 35 (1977): 63-78.

Ross, L. , M. R. Lepper, and M. Hubbard. "Perseverance in Self-Perception and Social Perception: Biased Attribution Processes in the Debriefing Paradigm. " *Journal of Personality and Social Psychology* 32 (1975): 880-92.

Schneider, Walter, and Richard M. Shrifrin. "Controlled and Automatic Human Information Processing: I. Detection, Search, and Attention. " *Psychological*

Norristown, N. J. : General Learning Process, 1972.

Kuiper, N. A. "Convergent Evidence for the Self as a Prototype. " *Personality and Social Psychology Bulletin* 7 (1981): 438-43.

Lerner, E. E. "Explaining Your Results as Accent-Biased Memory. " *Journal of the American Statistical Association* 70 (1975): 88-93.

Linville, P. W. , and E. E. Jones. "Polonized Appraisals of Outgroup Members. " *Journal of Personality and Social Psychology* 42 (1982): 193-211.

McKeithen, K. B. , et al. "Knowledge Organization and Skill Differences in Computer Programmers. " *Cognitive Psychology* 13 (1981): 307-25.

Major, B. "Information Acquisition and Attribution Processes. " *Journal of Personality and Social Psychology* 39 (1980): 1010-23.

Malpass, R. S. , H. Lavingnorn, and D. E. Weldon. "Verbal and Visual Training in Face Recognition. " *Perception and Psychophysics* 14 (1973): 285-92.

Mandler, G. "From Association to Structure. " *Psychological Review* 69 (1962): 415-27.

Mandler, Jean. "Categorical and Schematic Organization in Memory. " In *Memory, Organization and Structure*, edited by R. C. Ruff. New York: Academic Press, 1979.

Markus, H. "Self-Schemata and Processing Information about the Self. " *Journal of Personality and Social Psychology* 38 (1980): 231-48.

